

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران  
Tel: 00491635112025  
E-mail: moasangaran@googlemail.com

۸۵۰

ایسکرا

Tel: 004915142486244 تلفن تماس با ما

۳۱ شهریور ۱۳۹۵، ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۶

سردبیر عبدال گلپریان

## زنان تودهنی دیگری به خامنه ای خواهند زد!

صفحه ۲

حزب کمونیست کارگری ایران



## سندج کانون موسیقی مدرن و اعتراضی نه "دف زنی حکومتی"

عبدال گلپریان

ارزیابی قرار گرفته است. این جشنواره با حضور هنرمندانی از استان های مختلف کشور در سندج برگزار شد. در این دو روز آثار هنرمندان توسط هیات داوران متشکل از بیژن کامکار، سید علاء یاسینی، شکرالله حیاتی و مهدی احمدی مورد ارزیابی قرار گرفت. ....

این "آیین" تحت عنوان "دف نوای رحمت" و "محمد رسول الله" و "یا علی" و غیره بخوبی ماهیت ارتجاعی آنرا نشان میدهد. در دهه های گذشته، مشخصا در زمان رژیم پهلوی این نوع مراسم و مناسک در تکایا و با حضور دراویش و مریدان شیوخ مرتجع برگزار میشد. نسل جوان آندوره نیز آن اشعاری را که در وصف حال و هوای آنچه که برگزارکنندگان در خلوت خود انجام میدادند بعنوان اشعار آلترناتیو جایگزین میکردند و آنرا مورد تمسخر و ریشخند قرار میدادند و از این مراسمها جوك میساختند. چه آن ایام و چه اکنون ماهیت هر دو مناسک یکی است. تفاوت آنجا است که در دهه های چهل و پنجاه تنها جمع محدودی که اعتقادات مذهبی داشتند در يك مکان بسته شبیه به مسجد یا تکایا جمع میشدند و این مناسک را بعنوان امر خصوصی و

عبدال گلپریان  
"در آیینی که شامگاه پنجشنبه ۲۵ شهریور بمناسبت ششمین جشنواره دف برگزار شد، گفته میشود که بیش از يك هزار دف نواز به صورت همزمان، همراه با مداحان خاندان پیامبر اکرم (ص) با عنوان «دف نوای رحمت» به نواختن این ساز پرداختند. به گزارش ایرنا دف نوازان سندجی در قسمت هایی از حیاط عمارت خسرو آباد، راهروها و ایوان و پشت بام این بنای تاریخی مستقر شده بودند و به صورت همزمان به نواختن دف پرداختند. این حرکت دسته جمعی دف نوازان با اشعار کردی، فارسی و عربی شاعران این منطقه همراه بوده. اعضای این گروه هزار نفری که شامل دختران و پسران سنندجی و در سنین مختلف بودند، لباس های محلی کردی را پوشیده و روی پوست دف های خود کلمات مقدس 'الله'، 'محمد رسول الله' و 'یا علی مولا' را طراحی کرده بودند. ششمین جشنواره سراسری دف نوازی با عنوان "دف نوای رحمت" با حضور ۲۱ استان کشور از ۲۴ تا ۲۶ شهریور در سندج برگزار شد و آثار هنرمندان تک نواز و گروه نواز در این دو روز مورد

صفحه ۲

## بررسی تاریخی، شکل گیری و بقدرت رسیدن اسلام سیاسی!

گفتگوی نسرین رمضانعلی با محمد آسنگران در برنامه تلویزیون ایسکرا

صفحه ۳

قسمت سوم

## مردم کردستان و جنبش دادخواهی از کشتارهای دهه شصت

صفحه ۴

نسان نودینیان

## دنیا باید بداند ... جمهوری اسلامی عامل یکی از بزرگترین کشتارهای سیاسی عصر ما است

صفحه ۶

حزب کمونیست کارگری ایران

## نان و آذوقه مردم آواره و بی پناه را با بمب و راکت میکوبند

صفحه ۷

عبدال گلپریان

## نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

صفحه ۵

نسان نودینیان، نسرین رمضانعلی

## یادداشت های هفته / عبدال گلپریان صفحه ۸

شیر لوزه بر پیکر می اندازد یا سخنان مینا احدی؟

در پاسخ به یک کامنت

آیا این حرف دل نادیده مراد است؟

فراخوان تجمع سراسری معلمان در کردستان عراق

ریا کاری سران روسیه و آمریکا در جنگ سوریه

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ سندج کانون موسیقی مدرن...

شخصی خود به اجرا می‌گذاشتند و بعد از اتمام آن هر کسی بدنبال کار خود میرفت اما اینبار این مراسم به یک امر کاملاً سیاسی و دولتی تبدیل شده و اهداف سیاسی سازمان یافته‌ای را دنبال می‌کند.

در سایه رژیم جمهوری اسلامی شش دوره از این مناسک تحت عنوان "جشنواره" و با شرکت دف نوازان از بیست و یک استان کشور به اجرا درمی‌آید. این مراسم مذهبی از آنجا که شش دوره از آن بعنوان "جشنواره" برگزار شده قطعاً بدون صرف هزینه دولت اسلامی در ایران قابل اجرا نیست و به این اعتبار مفهوم و معنای آن امری سیاسی و دولتی است. این برنامه‌ای است سازمانیافته توسط جمهوری اسلامی با صرف هزینه دولتی و با جمع کردن تعدادی از دف‌زن‌ها از ۲۱ استان کشور.

این مناسک اگر امر خصوصی و شخصی تعدادی آدم که باور مذهبی دارند باشد موضوع متفاوتی است و همچنانکه سابقاً جوانان از آن جوک می‌ساختند نسل جدید نیز آنرا به تسخر می‌گیرد و تا کنون به اندازه کافی حاشیه‌ای و بعنوان یک سنت عقب مانده بتدریج و همچنان در حال محو شدن است. جمهوری اسلامی با این بذل و بخشش‌ها از هستی و سرمایه جامعه تلاش می‌کند از بر باد رفتن کبان اسلام قدری بکاهد.

نکته جالب توجه این است که در این میان تعدادی "هنرمند" سرشناس نیز در مقام داور سرگرم پر کردن جیب خود و تحمیق مردم هستند. شاخص‌ترین اینها "بیژن کامگار" است. اگر گروه کامگارا تا کنون جایگاهی در میان مردم داشت با تبدیل شدن ایشان به صحنه گردان و قاضی این مراسم بشدت عقب مانده، بدون شك هم خود و هم گروه کامگار را برای همیشه از اعتبار ساقط کرده است.

اما باید دید که علت برگزاری این خزعبلات اسلامی آنهم در دورانی که اسلام و جمهوری اسلامی بمشابه هم مسلک داعش مورد عمیقترین تنفر از سوی مردم ایران و شهرهای کردستان قرار دارد با چه هدفی برگزار میشود؟ جمهوری اسلامی و سیاهی لشکر دف

## زنان تودهنی دیگری به خامنه‌ای خواهند زد!

وسیعی حول موسیقی به راه افتاد که حکومت را دو تکه کرد. زن را از ورود به ورزش و مسابقات ورزشی منع کردند، امروز حتی خامنه‌ای مجبور میشود به زنانی که در مسابقات جهانی به پیروزی میرسند تبریک بگوید.

دوچرخه سواری زنان نیز نه تنها با فتوای خامنه‌ای «ترک» نمیشود بلکه گسترش خواهد یافت. حزب کمونیست کارگری زنان در سراسر کشور را فرامیخواند حتی اگر دوچرخه سواری نمیدانند یاد بگیرند و با دوچرخه به خیابان بیایند. باید جنبش وسیعی حول دوچرخه سواری به راه انداخت.

حکومت پراکنده تر و ضعیف تر از آن است که بتواند مانع پیشروی این جنبش شود. حزب از همه مردم آزاده میخواهد در مقابل اذیت و آزار ماموران حکومت داعش و آل خامنه‌ای با قاطعیت بایستند و این عرصه را نیز به یک پیروزی برای خود و شکست مفتضحانه‌ای برای حکومت تبدیل کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۹ شهریور ۱۳۹۵  
۱۹ سپتامبر ۲۰۱۶

از زنان تودهنی خورده است. این مهمترین رکن ایدئولوژی اسلام و مهمترین رکن سیاست کل جنبش اسلامی برای به زانو درآوردن کل جامعه است. کلماتی مانند ارتجاع و تحجر و عقب ماندگی عمق ضدیت جنبش نکبت بار و نفرت آور اسلامی با زن و جامعه را توضیح نمیدهد. هر جریان اسلامی که به قدرت میرسد یا قصد قدرت گیری دارد ابتدا حملاتش را متوجه زنان میکند. اما مشخصه امروز جامعه ایران تودهنی بزرگی است که جمهوری اسلامی در مقاطع مختلف و بارها و بارها از زنان خورده است و اینبار نیز تودهنی بزرگتری خواهد خورد. اگر میتوانستند جلو مدرسه رفتن زن را هم مانند طالبان می‌گرفتند اما امروز اکثریت دانشجویان دانشگاهها را دختران تشکیل میدهند. خواستند و با اسید و پونز زورشان را زدند که چادر به سر زنان بکنند، اما امروز این‌آه و ناله آیت الله‌ها است که از بیحجابی زنان بلند شده است. گفتند موسیقی و بویژه خوانندگی زنان طبق دین اسلام حرام است اما چنان جنبش

فتوای اخیر خامنه‌ای علیه دوچرخه سواری زنان، تقلائی مذبوحانه‌ای از جانب حکومت برای به کنترل درآوردن جامعه پویا و خروشنده‌ای است که حکومت تحجر اسلامی را به استیصال و درماندگی کشانده است. خامنه‌ای گفته است: «دوچرخه‌سواری بانوان در مجامع عمومی و در منظر نامحرم، غالباً موجب جلب نظر مردان و در معرض فتنه و به فساد کشیده شدن اجتماع و منافی با عفت بانوان است و لازم است ترک شود و در صورتی که در منظر نامحرم نباشد اشکال ندارد».

در تفکر سران جمهوری اسلامی و داعش و دولت عربستان و طالبان و بوکوحرام زن مظهر فتنه و به فساد کشیدن مردان است و باید در بستوی خانه مخفی شود و یا در چادر و مقنعه و کیسه‌های گشاد پوشانده شود. این تنها نشان دهنده عمق ارتجاع و تحجر نیروها و دولتهای اسلامی از نوع جمهوری اسلامی است. جامعه ایران این زن ستیزی تهوع آور را هرگز نپذیرفته و نخواهد پذیرفت. جمهوری اسلامی در مقاطع مختلف و بارها و بارها

حکومت اسلامی کارگردانی شده است جامعه و زندگی مردم را به تباهی بکشاند. جا دارد مردم شهرهای کردستان بویژه مردم مبارز شهر سندج شرکت کنندگان این مناسک و بیژن کامگار را مورد

مواخذه قرار داده و بارش و گسترش فعالیتهای مدرن و انسانی خود و افشای ماهیت مجریان و کارگردانان این مراسم قاطعانه در مقابل آن بایستند و اهداف این حرکت ارتجاعی را افشا و رسوا کنند. سندج همیشه کانون موسیقی مدرن، اعتراضی و پیشرو بوده است نه دف زنی حکومتی. بی گمان مردم سندج سرخ و دیگر شهرها با قاطعیت هر چه تمامتر تکرار این دست از مناسک و حرکت‌های اسلامی، دولتی و سازمانیافته جمهوری اسلامی را بایکوت و ماهیت آنرا بیش از پیش افشا خواهند کرد.

۳۰ شهریور ۹۵  
۲۰ سپتامبر ۲۰۱۶

## تحصیل رایگان حق همگان!

- آموزش عمومی اجباری و رایگان تا سن ۱۶ سالگی
- آموزش عالی رایگان و در دسترس برای همه مقاطع



آموزش حق همه است و دسترسی افراد به آموزش و دوره‌های آموزشی باید کاملاً از سطح درآمد خانواده مستقل باشد.



## بررسی تاریخی، شکل گیری و بقدرت رسیدن اسلام سیاسی! گفتگوی نسرین رمضانعلی با محمد آسنگران در برنامه تلویزیون ایسکرا قسمت سوم



رسید.

میخواهم بگویم اکنون ارتش آمریکا و دولتهای غرب در حلب و بقیه مناطق سوریه و عراق و یمن و... یک طرف جنگ نیستند. بلکه دو طرف این جنگ، جریانات تروریست اسلامی هستند اما دولتهای غربی و آمریکا از دولتها و نیروهایی از آنها حمایت میکنند و روسیه و چین و جمهوری اسلامی هم از بخشهایی دیگری از این دولتها و جریانات حمایت میکنند. بنابراین اگر صحنه جنگ در خاورمیانه و شمال آفریقا را نگاه کنید ابتدا جنگ دولتها و جریانات اسلامی منطقه علیه همدیگر را ببینید، پشت سر آنها دولتهای عربستان و جمهوری اسلامی و اردوغان و... را مشاهده میکنید و در رده سوم متحدین جهانی هرکدام از این نیروها را ببینید. به این معنی نمیتوان جنگ کنونی را با فرمول جنگ تروریسم دولتی و اسلامی توضیح داد.

**نسرین رمضانعلی:** یعنی منظورتان این است که بگویید امروز تروریسم دولتی وجود ندارد؟

**محمد آسنگران:** نه تروریسم دولتی سیاستی است که هر دوره ای ممکن است دولتهای ارتجاعی به آن دست ببرند. اما جنگی که امروز در کشورهای اسلام زده میبینیم جنگ تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی نیست. بلکه اساسا جنگ جریانات و دولتهای تروریست اسلامی با همدیگر است. برای مثال جنگ سوریه جنگ آمریکا و اسد نیست. در عراق جنگ آمریکا و حکومت بغداد نیست. جنگ دولتهای اروپایی با دولتهای معینی در منطقه نیست. بلکه این جنگ عمدتا جنگ نیروها و جریانات مختلف اسلامی با همدیگر است که در دو قطب اسلامی شیعه و سنی و نزدیک به عربستان و جمهوری اسلامی جا گرفته اند. برای نمونه اگر سوریه را نگاه کنیم یک طرف جنگ اسد و متحدین هستند و طرف دیگر جریانات اسلامی و حامیانشان قرار گرفته اند. بنابراین جنگ کنونی خاورمیانه را میتوان نتیجه بحرانی دانست که سیاست آمریکا و دولتهای غربی در منطقه با تقویت جریانات اسلامی و اشغال عراق و دخالت در کشورهای دیگر باعث شدند، اما نمیشود جنگ امروز را با فرمول قبلی که جنگ مستقیم دولت آمریکا به رهبری بوش علیه طالبان و القاعده و جریانات اسلامی دیگر بود توضیح داد. آن دوره که معروف بود به جنگ تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی از سال ۲۰۱۱ با عقب نشینی نیروهای آمریکایی از عراق به پایان

بخشی از هویت خود را ضدیت با غرب و فرهنگ غربی تعریف کرده اند. دولت عربستان و دولت اردوغان از جمله دولتهای پرو غرب بودند اما

قدم به قدم ضدیتشان با آمریکا و غرب عیان تر شده و منافع واقعی و منطقه ای آنها در بسیاری موارد با منافع آمریکا در تعارض قرار گرفته است. نیروهای اسلامی مورد حمایت آنها در منطقه عملا ضدیتشان با آمریکا آشکارتر شده و اکنون اسناد منتشر شده حتی ثابت میکند که مقامات دولت عربستان سعودی در انفجار برجهای دو قلوی آمریکا نقش داشته اند.

**نسرین رمضانعلی:** با یک مشاهده ما متوجه این موضوع میشویم که تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی در جنگی خونین در منطقه خاورمیانه با هم هستند. علاوه بر این شاهد درگیری و جنگ جریانات اسلامی با هم هستیم. عملیات نظامی این جریانات علیه کشورهای غربی که نمونه های آنرا در فرانسه و آلمان و آمریکا و... دیده ایم نمونه های متعددی از عملیات نظامی خارج از منطقه خاورمیانه است. این دوره عمدتا داعش این عملیاتها را سازمان داده است. آیا هدف آنها این است که جنگ را به کشورهای غربی گسترش بدهند یا صرفا هدف آنها باجگیری از این دولتها است؟

**محمد آسنگران:** اول اجازه بدهید بحث جنگ تروریسم دولتی و تروریسم اسلامی را روشن کنیم. این ترم و این مبحث اساسا دوره ای معنی روشنی داشت که برجهای دوقلوی آمریکا مورد حمله قرار گرفت و بوش دستور لشکر کشی به افغانستان را صادر کرد و بعدا هم عراق را اشغال کرد. اما بعد از شکست آمریکا در عراق و عقب نشینی نیروهای نظامی آمریکا از عراق این دوره تمام میشود.

آنچه امروز میبینیم از یک طرف تلاش جریانات اسلامی تروریست برای تسلط بر کشورهای منطقه است که عمدتا در خاورمیانه و شمال آفریقا دیده میشود و از طرف دیگر حمایت آمریکا و دولتهای غربی از

سیاسی سنی با کمکهای مالی وسیعی که از عربستان دریافت میکردند همین کار را آغاز کردند.

ضدیت هر دو شاخه این جنبش با آمریکا و فرهنگ غربی همزمان بود با تشدید رقابت آنها با همدیگر. این دو وجه خصوصیات جنبش اسلامی هم سابقه تاریخی اختلاف ایدئولوژیک آنها با همدیگر را شدت بخشید هم مخالفتشان با آمریکا برجسته تر شد. جمهوری اسلامی با سازمان دادن دارو دسته های تروریست اسلامی علاوه بر قتل عام و نسل کشی مخالفین خود در داخل ایران، عملیات تروریستی و منفجر کردن سفارتخانه ها در کشورهای مختلف و تصرف سفارت آمریکا در تهران و... را به اسم خود ثبت کرد.

بعدا القاعده برای نشان دادن توان و قدرت و قاطعیت خود در مقابل آمریکا برجهای دو قلوی آمریکا را منفجر کرد. آمریکا در پاسخ به این عمل تروریستی بهانه ای پیدا کرد که کشور افغانستان را اشغال کند. تشدید این جدال هر روز ابعاد وسیعتر و مخربتری به خود میگرفت و امروز رقابت آنها با غرب و جدالشان با همدیگر هم خاورمیانه را به آتش کشیده اند و هم کشورهای غربی را به میدان عملیات تروریستی خود تبدیل کرده اند.

بنابر این امروز از یک طرف دو شاخه اسلام سیاسی به رهبری عربستان سعودی و جمهوری اسلامی به دلیل اختلاف منافع و ایدئولوژیک متفاوتی که با همدیگر دارند در جدال سختی با همدیگر هستند، از طرف دیگر هر دو جناح این جدال به دلیل اختلاف منافعشان با آمریکا و کشورهای غربی هر کدام به روش خود با سیاستهای آنها مخالفت میکنند. ضدیت جنبش اسلامی و همه جریانات اسلام سیاسی با آمریکا و غرب و ضدیت آنها با هر نوع فرهنگ و سیاست غیر اسلامی، بخشی از هویت جنبش اسلام سیاسی است. از نظر من همه جریانات اسلامی از جمهوری اسلامی گرفته تا طالبان و مجاهدین افغان و داعش و... همگی ضد غرب و ضد آمریکایی هستند. به همین دلیل همه آنها

**نسرین رمضانعلی:** ما در دو برنامه قبلی مختصرا به تاریخ شکل گیری و قدرت گیری جنبش اسلام سیاسی پرداختیم. در بخش سوم این برنامه علاقمندم به موقعیت امروز این جنبش پردازیم. در برنامه قبلی شما به این اشاره کردید که اکنون جنبش اسلام سیاسی به دو بخش سنی و شیعه تقسیم شده که با همدیگر در رقابت سختی بسر میبرند. نقش دولتها در جدال این دو شاخه جنبش اسلامی را چگونه میبینید؟

**محمد آسنگران:** همچنانکه در بررسی تاریخ جنبش اسلام سیاسی گفتیم عروج این جنبش در دهه هفتاد میلادی در قرن بیستم بود. مجاهدین افغان در مقابل روسیه در افغانستان و عروج جمهوری اسلامی به قدرت در ایران آغاز تحرك جدی این جنبش در دوره معاصر است. اما با اتکا به اسنادی که اکنون هم آمریکا و هم سایت ویکی لیکس منتشر کرده است اثبات شده است که دولتهای غربی و در راس همه آنها آمریکا در سازمان دادن و قدرت گیری این جنبش نقش اساسی و محوری بازی کرده اند. کمک این دولتها به جریانات اسلامی و فراهم کردن زمینه عملی رشد آنها، باعث شد قدرت سیاسی در این دو کشور به دست جنبش اسلامی بیفتد. بعد از قدرت گیری جریانات جنبش اسلامی در این دو کشور و ادعای سهم بیشتر در تقسیم قدرت و ثروت، آنها را به رقابت با کشورهای غربی بویژه با آمریکا کشاند. اما همزمان این دو شاخه اسلام سیاسی با همدیگر رقابتشان شدت گرفت.

این تحولات باعث شد که هم جریانات اسلامی در منطقه اعتماد بنفس بیشتری پیدا کنند، هم فعالین این جنبش دست بکار سازمان دادن و گسترش شاخه های این جنبش در ابعاد وسیعتری بشوند. در دل این شرایط جمهوری اسلامی مستقیما برای گسترش منطقه نفوذ خود و برای تحکیم پایه های حکومتش دست بکار تقویت و سازمان دادن انواع جریانات اسلامی شد. در مقابل جریانات جنبش اسلام

## صفحه ۳ بررسی تاریخی، شکل گیری...

اساسا مدیریت و هدایت جنگ در منطقه و حمایت از متحدین و نیروهای نزدیک به خود را برای رسیدن به استراتژی مورد نظرشان بعهده دارند.

تجربه شکست آمریکا در عراق اگر درسی برای قدرتهای جهانی داشت این بود که خودشان مستقیم در جنگهای این منطقه درگیر نشوند. زیرا هنگامیکه ارتش آمریکا در عراق مستقیم درگیر جنگ شد و این کشور را اشغال کرد، جریانات اسلامی نوع سنی با

حمایت عربستان و جریانات اسلامی نوع شیعه با حمایت جمهوری اسلامی هر دو علیه ارتش اشغالگر وارد جنگ شدند. در عین حال این دو قطب جریانات اسلامی سنی و شیعه در رقابت با همدیگر در جنگ بودند. اما یک دلیل عمده شکست نیروهای ارتش آمریکا جنگ همزمان این دو قطب اسلامی سنی و شیعه با ارتش آمریکا بود. زیرا هر دوی آنها آمریکا را مزاحم قدرتگیری خود میدانستند.

امروز در سوریه جنگ جریانات اسلامی اپوزیسیون با دولت اسد است. جمهوری اسلامی از اسد حمایت میکند و بعد از جمهوری اسلامی روسیه قرار گرفته است. در جبهه مقابل هم پشت سر نیروهای اسلامی تروریست سوریه عربستان و قطر و ترکیه قرار گرفته اند و بعد از آنها آمریکا و اروپا قرار میگیرند. این جایجایی نیروها و تغییر سیاست آمریکا و غرب برای دخالتگری در منطقه اگر دقیق و درست ارزیابی نشود، هم ممکن است ما را به این نتیجه اشتباه برساند که جنگ تروریسم دولتی و اسلامی همچنان ادامه دارد هم ممکن است به این تحلیل نادرست برسیم که مثلا داعش مانند القاعده و طالبان و... ضد آمریکایی و ضد غرب نیست. به نظر من هر دوی این نتیجه گیریها اشتباه و دور از واقعیت است.

اما درک يك نکته بسیار مهم و ظریف در جنگ امروز مهم است. آنهم درک پیچیدگی جنگ نیروهای منطقه ای و مناسبات آنها با دولتهای غربی است. اگر به صحنه جنگ امروز افغانستان نگاه کنید میبینید از يك طرف داعش و القاعده و طالبان با همدیگر در حال

رقابت هستند و از طرف دیگر همه آنها علیه نیروهای آمریکایی و ناتو و دولت افغانستان هستند. در حالیکه همه نیروهای اسلامی این منطقه و دولت افغانستان متعلق به قطب اسلام سیاسی نوع سنی هستند. در سوریه و عراق این آرایش و صحنه های جنگ کمی متفاوت تر است. زیرا آنجا نیروهای اسلامی نوع سنی و شیعه در مقابل هم در حال جنگ هستند و هر کدام متحدین منطقه ای و جهانی خود را دارند.

بنابر این به مرور زمان هم صحنه جنگ و هم درجه استقلال و گوش به فرمان بودن این جریانات نسبت به حامیان خود تغییر کرده است. از جمله داعش و القاعده و طالبان و... اگرچه در جبهه اسلام نوع سنی قرار دارند اما گوش به فرمان هیچ دولت و نیروی حامی خود نیستند. همچنانکه مقتدا صدر و حماس و اسد و... در عراق و سوریه و... گوش به فرمان جمهوری اسلامی نیستند. این تحول در ابعاد منطقه ای و جهانی شامل دولتها هم میشود. عربستان سعودی و جمهوری اسلامی و ترکیه را اگر نگاه کنید هر کدام حامیان جهانی خود را دارند. اما هیچکدام از آنها تماما تابع قدرتهای جهانی حامی خود نیستند. بنابر این قرار گرفتن نیروها و دولتهای منطقه ای در هر کدام از قطبهای رقیب منطقه ای و جهانی به معنی تابع بودن و منطبق بودن سیاستهای آنها با همدیگر نیست.

این مولفه جدید مهمی در سیاست جهانی و منطقه ای است. وجود این مولفه پیچیدگی اوضاع و طولانی بودن بحران و خونریزی را گسترده تر میکند و کنترل اوضاع منطقه بوسیله قدرتهای جهانی را با موانع بیشتری مواجه میکند. بنابر این بحران و جنگ در منطقه تا هنگامیکه قدرتهای جهانی و منطقه ای به توافقی بر سر منطقه نفوذ هر کدام از آنها نرسند ادامه خواهد داشت.

تنها فاکتوری که میتواند این موقعیت کنونی و نقش نیروها و دولتهای ارتجاعی را کنار بزند و حاشیه ای کند دخالت مستقیم مردم و عروج جریانات چپ و آزادیخواه است. از این منظر به نظر من کشور

## مردم کردستان و جنبش دادخواهی از کشتارهای دهه شصت



نسان نودینیان

کسانیکه در شهر و روستاهای کردستان جان خود را از دست داده اند.

شبکه های جنبش دادخواهی متکی به میدیای اجتماعی و باز کردن ستون اسامی اعدامی ها، کشته شدگان میلیتاریزم نظامی جمهوری اسلامی در کردستان. کشته شدگان جنگ ایران و عراق.

کمک و حمایت و پشتیبانی از زندانیان قدیمی و جان بدر برده از اعدام برای تهیه طومار دادخواهی از کسانیکه در زندانهای جمهوری اسلامی مرتکب جنایت شده اند.

همه اطلاعات در مورد کشتارهای دهه شصت باید علنی بشود و در اختیار جامعه قرار بگیرد. تعداد قربانیان، اسامی آنان، تاریخ و چگونگی بقتل رسیدن و محل خاکسپاریشان باید اعلام بشود.

ایجاد شبکه وسیع دیوار نویسی در شهر و روستاهای کردستان با شعار "مردم ایران نه می بخشند و نه فراموش میکنند".

۱۸ سپتامبر ۲۰۱۶

۲۸ شهریور ۱۳۹۵



در کردستان پتانسیل بالایی برای سازماندهی دادخواهی کشتار و جنایت علیه جمهوری اسلامی وجود دارد. ما بارها از داخل زندان ها و بیرون از زندان ها شاهد نامه های دادخواهی زندانیان و خانواده هایشان بوده ایم. ما بارها شاهدیم که مردم در اعتراض به اعدام مقابل زندانها تجمع و در چند مورد موفق به توقف اعدام شده اند، ما شاهدیم مردم شهرهای کردستان بشکل دسته جمعی برای آزادی زندانیان طومار امضا کرده اند، ما شاهدیم که مردم در شهرهای کردستان از خانواده زندانیان سیاسی حمایت کرده و آنها را مورد پشتیبانی های همه جانبه قرار داده اند.

امر مردم در شهرهای کردستان ایجاد سدهای محکم علیه حضور نیروهای رژیم اسلامی و حمایت از فعالین سیاسی و مبارزاتی بوده است.

در شرایطی که، کشمکش میان دارودسته های حکومتی در ارتباط با کشتارهای دهه شصت و اعدام و قتل عام ها در زندانها، بالا گرفته و ناگزیر به افشای گوشه ای از جنایات خود شده اند. و در شرایطی که جنبش دادخواهی در تهران و دیگر شهرهای رو به گسترش است، مردم کردستان میتوانند با اقدامات ابتکاری برای گسترش این جنبش وارد کارزار مشخصی شوند. ایجاد نهاد و شبکه های دادخواهی تحت نام "جنبش دادخواهی" تهیه لیست اعدام ها و

در چند سال گذشته، خانواده ها و بازماندگان قربانیان دهه شصت، وابستگان کلیه افرادی که بدست جلادان حاکم اعدام و شکنجه شده یا به زندان افتاده و زندگیشان تبا شده است، همه زندانیان سیاسی، فعالین جنبش علیه اعدام، فعالین جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی، و همه مردم آزاده ایران خواهان روشن شدن پرونده جنایات حکومت و محاکمه کلیه آمرین و عاملین این جنایات هستند.

ایران و اعتراضات جنبشهای سکولار و ضد مذهبی و رادیکال شانس بیشتری برای تغییر کل فضای منطقه دارند. این فاکتور اگر از جانب جریانات چپ و آزادیخواه ایران تشخیص داده شود و آنرا جدی

\*\*\*

## نگاه هفته: مجموعه اخبار و گزارشات هفته از شهرهای کردستان

نسان نودینان، نسرین رمضانعلی



### انتخاب نادیا مراد بعنوان سفیر حسن نیت سازمان ملل

نادیا مراد، شهروند ایزدی که مدتی در اسارت داعش بوده است به عنوان سفیر حسن نیت سازمان ملل انتخاب گردید. روز بیست و ششم شهریورماه، سازمان ملل در مراسمی نادیا مراد را به عنوان سفیر در امور حفظ کرامت بازماندگان قاچاق انسان برگزید. سفیر حسن نیت سازمان ملل شخصی است که با استفاده از شهرت و اعتبار خود در راستای اهداف انسان دوستانه با برنامه های سازمان ملل همکاری می کند. در مراسم جمعه گذشته که دبیرکل سازمان ملل و اعضای همیشگی شورای امنیت نیز حضور یافتند، نادیا مراد، خواستار آزادی سه هزار و ۲۰۰ زن و دختر ایزدی شد که در حال حاضر به عنوان برده جنسی در دست داعش اسیر هستند. نادیا مراد ۲۳ ساله از اواسط تابستان ۹۳ و برای مدت بیش از سه ماه به عنوان برده جنسی داعش در اسارت این گروه تروریستی بوده است. او شش برادرش را در یورش شبه نظامیان داعش به روستای "کوچو"، محل زادگاهش، در حومه شهر سنغال از دست داد. سازمان ملل در بیانیه ای اعلام کرد: "این اولین بار است که بازمانده فجایع این چنینی به این موقعیت نائل می شود". یوری فلوتوف، رئیس نهاد مبارزه با مواد مخدر و جنایت سازمان ملل نیز در سخنانی، گفت: "انتخاب نادیا فرصتی منحصر بفرد را رقم زده تا از دیگران بخواهیم در مبارزه با قاچاق انسان به ما ملحق شوند". سازمان ملل متحد در حال حاضر دارای ۱۳ سفیر حسن نیت با

عنوان سفیران صلح سازمان ملل (پیام آوران صلح سازمان ملل) در موضوعات یا مناطق بحرانی است. نادیا مراد در حال حاضر در مرکزی در ایالت بادن وورتمبرگ در جنوب غربی آلمان زندگی می کند. این نهاد برای حمایت از زنان و کودکانی که در اثر جنایات "دولت اسلامی" دچار آسیب های روانی شده اند، برپا شده و اقامتگاه نزدیک به ۱۱۰۰ زن و کودک است.

### پاسداران دو کولبر را در مرز پیرانشهر به قتل رساندند

تعدادی از کولبران کرد در منطقه مرزی پیرانشهر مورد اصابت تیر نیروهای مسلح حکومتی قرار گرفتند که در نتیجه آن دو کولبر جوان به شدت زخمی شدند. هتنگ مرزی سپاه استان آذربایجان غربی عامل تیراندازی به کولبران بوده است. مردم محلی آنان را به مراکز درمانی شهر چومان در اقلیم کردستان منتقل کردند.

یکی از کولبران جوان به نام صلاح بوره که بر اثر شدت جراحات وارده ناشی از اصابت گلوله به ناحیه سر و گردن، قبل از بستری شدن، جان خود را از دست داد. او از اهالی روستای "سوغانلو" از توابع بخش مرکزی پیرانشهر بود.

خورشید خسروی کولبر دیگر که هم اکنون در یک مرکز بیمارستانی در چومان معالجه می شود، گفته است: نیروهای سپاه در مکانی به نام "چیغدر" برای ما کمین گذاشته بودند که بر اثر گلوله پراکنی آنها، صلاح پس از مصدومیت و از ترس دستگیری، خود را از ارتفاع کوه به پایین پرت کرد.

این چهارمین کولبر در کمتر از یک ماه اخیر است که بر اثر شلیک

مستقیم نیروهای مسلح حکومتی جان خود را از دست می دهد.

### خودکشی کارگزار خراجی کارخانه نیک الیاف دیواندره!

یک کارگر کارخانه گونی بافی نیک الیاف دیواندره که کارفرمای او را از کار بیکار و اخراج کرده بود با مصرف قرص برنج خودکشی کرد. نام این کارگر ۴۵ ساله بسطام قزایی اعلام شده است. وی چهار فرزند داشت که دو تن از آنها فلج مادرزاد هستند. وی حدود ۷ ماه اخراج شده بود و هیچ امکانی برای تامین معاش خود و خانواده اش نداشت.

### توپ باران مناطق مرزی بدنبال کشته شدن یک عضو سپاه پاسداران در بوکان

بدنبال کشته شدن یک عضو سپاه در بوکان توپ باران مناطق مرزی از بامداد روز شنبه ۲۷ شهریور آغاز شد. به گزارش مرکز دموکراسی و حقوق بشر کردستان، ساعت دو بامداد شب گذشته یکی از اعضای سپاه به نام «اسماعیل خدایی» در روستای «کوره کانی» از توابع بخش مرکزی شهرستان بوکان در تیراندازی نیروهای مسلح ناشناس از ناحیه سر مجروح شد و سپس جانش را از دست داد. شاهدان عینی گفتند: افراد مسلح ناشناس بعد از کشتن وی از محل متواری شده اند. تاکنون هیچ حزب یا گروهی مسئولیت کشته شدن این عضو سپاه پاسداران ایران در بوکان را به عهده نگرفته است. همزمان با این حملات، روزشنبه ۲۷ شهریورماه، توپخانه های جمهوری اسلامی برای سومین بار طی سال جاری، مناطق مرزی اقلیم کردستان شامل «بریزین، سقر و قوچی آجر» را توپ باران کردند که محل استقرار نیروهای پیشمرگ حدکا و نزدیک محل استقرار نیروهای حدک است.

در توپباران مناطق مرزی اقلیم کردستان توپهای فرفری به کار برده و تاکنون زبان جدی به مراتع استان اربیل وارد شده است

### ممانعت اطلاعات مهاباد از پیگیری قضایی قتل یک جوان بر اثر شکنجه

اداره اطلاعات شهرستان مهاباد از پیگیری پرونده قتل یک جوان از سوی دستگاه قضایی ممانعت به عمل می آورد. این جوان به نام جلال جوانمرد بر اثر شکنجه ماموران

وزارت اطلاعات جان خود را از دست داده بود. بعد از مرگ «جلال جوانمرد» بر اثر شکنجه در اداره اطلاعات مهاباد، جنازه اش به صورت مشروط به اعلام خودکشی وی از سوی خانواده اش به آنان مسترد شده بود.

با گذشت بیش از ۲ ماه از این واقعه، اداره اطلاعات مهاباد به صورت مکتوب دستگاه قضایی را از پیگیری پرونده از سوی خانواده اش بر حذر داشته و پرونده را «امنیتی و در ارتباط با ضد انقلاب» اعلام کرده است. جلال جوانمرد ۲۶ ساله روز دوشنبه ۲۸ تیرماه سال ۱۳۹۵، از سوی نیروهای امنیتی وابسته به اداره اطلاعات مهاباد بازداشت و بعد از دو روز زیر شکنجه ی شدید توسط بازجویان وزارت اطلاعات جانش را از دست داده بود. جلال جوانمرد به اتهام «همکاری با احزاب کردی» بازداشت و زیر شکنجه جانش را از دست داده است.

### دستگیری در سقز

۲۴ شهریورماه دو جوان بنام های صلاح الدین میرزایی، ۲۲ ساله و امین آلان) علیپور، ۲۵ ساله در محله بهارستان شهر سقز بازداشت و توسط افراد حکومتی به مکان نامعلومی انتقال می یابند. همچنین فردای آن روز بیست و پنجم شهریورماه جوان ۳۱ ساله دیگری به نام هیوا دستباز در حین بازگشت به منزل پدری بازداشت می شود.

### ۳ میلیون کودک بازمانده از "مهر"

وزیر آموزش و پرورش در یک نشست خبری گفت: به دلیل آن که روز اول مهر پنجشنبه است، مدارس و سال تحصیلی با حضور رئیس جمهور روز شنبه سوم مهرماه بازگشایی می شود.

علی اصغر فانی در نشست خبری خود در آستانه بازگشایی مدارس و آغاز سال تحصیلی ۹۵-۹۶، با بیان اینکه پیش بینی می شود شاهد حضور بیش از ۱۳ و نیم میلیون دانش آموز در مدارس باشیم، گفت: در سامانه ستاد ثبت نام روزانه دانش آموزان ثبت می شود و آخرین آمار ثبت شده بیش از ۱۲ و نیم میلیون دانش آموز را نشان می دهد. به گفته فانی، ۷۰۰

هزار نوآموز در پیش دبستانی، هفت میلیون و ۶۰۰ هزار نفر در دوره ابتدایی، ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در متوسطه اول و متوسطه دوم و ۷۳ هزار نفر در مدارس استثنایی در حدود ۱۰۷ هزار واحد آموزشی با بیش از ۹۴۷ هزار پرسنل فرهنگی سال تحصیلی جدید را آغاز می کنند. آنچه که وزیر آموزش و پرورش نگفت این بود که حدود سه میلیون کودک عمدتاً به دلیل فقر از رفتن به مدرسه باز می ماند.

مهدی بهلولی، کارشناس مسائل آموزشی با بیان این مطلب می گوید که «آمار سه میلیونی دانش آموزان بازمانده از تحصیل از شش ساله ها شروع می شوند تا سنی ۱۷ و ۱۸ سال ادامه پیدا می کند؛ دانش آموزانی که باید در چرخه تحصیل باشند و نیستند».

بهلولی با بیان این که آموزش و پرورش و وزرای دولت یازدهم برنامه خاصی برای حل این مشکل ندارند، می گوید: آمار دانش آموزان از سه سال پیش تا کنون با رشد کمی در حال حرکت بوده و بنابراین نمی توانسته آن دو سه میلیون را پوشش دهد.

باید اضافه کرد که کودکان فاقد شناسنامه، مشمول این آمار نمی شوند و بنابراین می توان نتیجه گرفت که تعداد کودکان بازمانده از تحصیل بیش از این تعداد اعلام شده هم باشد.

بهلولی در این زمینه می گوید: کودکان بی شناسنامه که درصد قابل توجهشان اتباع افغانستان هستند تحت پوشش آمار هم قرار نمی گیرند؛ این ها کودکان حاشیه شهرها هستند و کودکان کاری که هر سال نسبت به گذشته رشد بیشتری می کنند.

### علی خامنه ای دو چرخه سواری زنان در مجامع عمومی حرام است!

علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی اخیراً گفته است: «دو چرخه سواری بانوان در مجامع عمومی و نیز در جایی که در معرض دید نامحرم باشد، حرام است».

این نظر خامنه ای مثل معمول زمانی منتشر می شود که ایشان و دیگر علمای اسلامی دست را از پیش در مقابل زنان و مردان حق

## دنيا بايد بداند ...

## جمهوری اسلامی عامل یکی از بزرگترین کشتارهای سیاسی عصر ما است



آیا میدانید علاوه بر شیلی در زمان پینوشه و اندونزی در زمان سوهارتو و آلمان در زمان هیتلر، در ایران نیز جمهوری اسلامی مرتکب یک نسل کشی و یک هولاکاست شد؟ شاید خیلی از شما از ابعاد جنایات و قتل عام ها حکومت اسلامی مطلع نیستید. چون رسانه ها و دول غربی تماما در دهه هشتاد میلادی که قتل عام زندانیان سیاسی صورت گرفت سکوت کردند. اپوزیسیون جمهوری اسلامی در آن مقطع هنوز فعالیت قابل ملاحظه ای در سطح بین المللی شروع نکرده بود که در مورد این واقعه تاریخی افکار عمومی را مطلع کند. اما این جنایت چنان بزرگ و تکان دهنده بود که علیرغم گذشت بیش از سه دهه، جراحات عمیقی بر قلب جامعه ایران بر جای گذارده است. زخم هایی نظیر جنایات پینوشه در شیلی یا نسل کشی های نظام آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی، که از سیاست و حقوق به معنای محدود فراتر می رود و به یک فاجعه همگانی اجتماعی تبدیل میشود تا جایی که بدون التیام اینگونه جراحات جامعه نمی تواند قرار و آرام گیرد.

اپوزیسیون جمع آوری شده است. اما آمار واقعی بیش از اینها است. در سالروز این اعدام ها هر سال به این مناسبت مراسم هایی در ایران و در کشورهای دیگر برگزار میشود. امسال نیز این روزها این مراسم ها جریان دارد.

اما جنایت به تابستان ۱۹۸۸ محدود نبود. جنایات جمهوری اسلامی علیه مخالفین سیاسی، علیه زنان، علیه کارگران، علیه مردم در نقاط مختلف کشور که این حکومت را نمی خواستند از بدو سر کار آمدن حکومت و حتی در ماههای قبل از سر کار آمدن آن توسط اوپاش سازمان یافته اسلامی با حمله به زنان بی حجاب و تحقیر و توهین به آنها شروع شد. اعدام ها نیز از روز شروع این حکومت در تهران و شهرستان ها به جریان افتاد. اما از ۲۰ جون ۱۹۸۱ یکی از بزرگترین قتل عام های سیاسی در ابعاد دهها هزار نفره در دستور حکومت قرار گرفت. از زنان حامله تا نوجوانان ۱۴-۱۵ ساله تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفتند و بدون دادگاهی اعدام شدند. در خیابان ها یا در خانه ها دسته دسته میگرفتند و ظرف چند روز و یا بعضا همان روز اعدام میکردند. بعد از دهه شصت نیز جنایات حکومت به اشکال مختلف ادامه یافت. در دهه ۱۹۹۰ حکومت اسلامی شروع به ترور رهبران اپوزیسیون و مخالفین سیاسی در لارناکا، برلین و پاریس و ... کرد و سپس به قتل زنجیره ای نویسندگان

و مخالفین اپوزیسیون در داخل کشور روی آورد. سالهای گذشته اسیدپاشی به صورت زنان به تحریک امام جمعه ها و عوامل سازمان یافته حکومت در دستور قرار گرفت و شلاق زدن به جوانان و کارگران معترض در یک سال گذشته اوج گرفت. به این جنایات سنگسار صدها زن، چشم درآوردن و بریدن دست و از کوه پرتاب کردن همجنسگرایان و دهها نوع جنایت دیگر بر اساس قوانین قصاص اسلامی را اضافه کنید.

و حال چه احساسی به شما دست میدهد اگر بدانید پاسداران جمهوری اسلامی از پدران و مادران یا همسران زندانیانی که اعدام میشدند پول تیرهایی که به سر و بدن زندانیان شلیک کرده بودند را طلب میکردند؟ چه احساسی پیدا میکنید وقتی گفته شود به تعدادی از زندانیان قبل از اعدام تجاوز کردند؟ یا به زور به ازدواج پاسداران اسلام درآوردند و بعد اعدام کردند و بخاطر این ازدواج به پدران و مادران آنها تبریک گفتند؟ بعضا پنج نفر از فرزندان یک خانواده را اعدام کردند. چه احساسی از شنیدن این واقعه به شما دست میدهد؟ چه احساسی پیدا میکنید اگر بشنوید که اعدام شدگان را کامیون کامیون در گورهای جمعی دفن کردند و هنوز اکثر قریب به اتفاق خانواده ها نمیدانند عزیزانشان در کجا دفن شده اند؟ چه احساسی پیدا میکنید وقتی بشنوید که خواهر را در مقابل برادر و یا دوست و رفیق را در مقابل یکدیگر شکنجه

کردند تا از آنها حرف بکشند و اراده آنها را در هم بشکنند؟ دهها هزار زندانی را نیز که از اعدام نجات یافته بودند تحت انواع شکنجه ها قرار دادند، به زندان های طولانی محکوم کردند، آنها را اعدام نمایشی کردند، ماهها در قبرهای چوبی مصنوعی نگهداشتند تا اراده آنها را در هم شکنند و سرانجام هزاران نفر از آنها را در سال ۸۸ اعدام کردند؟ نه، اکثر شما از این هولاکاست اسلامی چیزی نمیدانید

چون دولت ها و رسانه های غربی نسبت به این جنایت علیه بشریت سکوت محض کردند، که اگر نمیکردند، اگر افکار عمومی را مطلع میکردند، جمهوری اسلامی به این سادگی نمیتوانست دست به این قتل عام بزرگ بزند و ابعاد جنایت به مراتب کمتر میشد. اعدام شده ها مخالفین حکومت از هر رنگ و طیفی بودند. چپ ها و کمونیست ها بودند، اسلامی های منتقد حکومت بودند، بهایی ها و یا طرفداران نظام سابق بودند، مردم معترض در نقاط مختلف کشور بودند و بعضا هیچکدام از اینها نبودند بدلیل تشابه قیافه یا شکل و شمایل غیر اسلامی دستگیر شدند، شکنجه شدند و اعدام شدند.

جمهوری اسلامی دست به این جنایات زد تا خود را به مردم تحمیل کند. این حکومت انتخاب مردم نبود که اگر بود نیازی به اینهمه سرکوب و جنایت نداشت. جامعه ایران چنین حکومت متحجر و عقب مانده ای را نمیخواست تحمل کند. اعتراض از هر طرف زبانه میکشید. اعتصاب گسترش می یافت. انواع روزنامه هایی که دهها سال تحت خفقان حکومت قبلی اجازه انتشار نداشتند در میان مردم توزیع میشد و با استقبال گرم مردم مواجه میشد. سازمان های سیاسی و تشکل های کارگری در فضای نسبتا بازی که با انقلاب آزادیخواهانه مردم شکل گرفته بود شروع به شکل گیری کرده بودند و مردم به آنها ملحق میشدند. کارگران، دانشجویان، زنان و مردم در اقصا نقاط کشور که دهها سال

تحت سرکوب و تحقیر زندگی کرده بودند همه به حرکت درآمده بودند و در مقابل حکومت اسلامی سنگر میگرفتند. و حکومت اسلامی میخواست آنها را سر جای خود بنشاند، مردمی که به امید آزادی و یک زندگی بهتر انقلاب کرده بودند را مرعوب و تحقیر و خرد کند و چنان خفقان و سیاهی بر فضای جامعه حاکم کند که هرگونه امید به تغییر اوضاع را بکشد تا خود را سر پا نگهدارد.

این زخم عمیق همچنان باز است. هنوز التیام نیافته است. جنایتکاران، شکنجه گران و آنها که در دولت و مجلس و سیستم قضایی دستور دادند و اجرا کردند، همچنان سر کارند و همچنان اعدام و جنایت میکنند. از خامنه ای که در آن مقطع از بالاترین مقامات حکومت بود، تا رفسنجانی که بعنوان جانشین فرمانده کل قوا در اوت ۸۸ گفته بود فرصت خوبی به وجود آمده که در اینجا (زندان ها) آنها را منهدم کنیم و شرشان را کم کنیم، روحانی رئیس جمهور فعلی که در مجلس اسلامی در سال ۱۹۸۰ گفته بود توطئه گران را هنگام نماز جمعه در حضور مردم به دار آویزان کنید تا تاثیر بیشتری داشته باشد، یا پورمحمدی وزیر دادگستری دولت روحانی، عضو کمیسیون که از طرف خمینی برای کشتار ۱۹۸۸ تعیین شده بود، همین چند روز قبل گفت ما افتخار می کنیم که دستور خدا را اجرا کردیم و صادق لاریجانی رئیس قوه قضائیه حکومت هم همین روزها گفته است احکام دادگاهها برحسب موازین شرعی و قوانین انجام شده و قابل خدشه نیست و حکم گروه های محارب کاملا آشکار است و صدها مقام دیگر حکومتی که در جنایات دست داشته اند همچنان در مجلس و کابینه و سیستم قضایی و شورای نگهبان و مجلس خبرگان و یا در نیروهای مسلح مشغول حکومت اند و همچنان جنایت می آفرینند. تنها در طول سه سال حکومت روحانی بیش از ۲۰۰۰ نفر اعدام شده اند. و

## از صفحه ۶ دنیا باید بداند...

تا عدالت برقرار نشود، تا جزئیات این جنایات افشا نشود، تا جنایتکاران به محاکمه کشیده نشوند، تا مردم ندانند عزیزانشان کجا دفن شده‌اند، تا لیست دقیق مقامات و مسئولینی که در این جنایت هولناک شرکت داشتند معلوم نشود، و حقایق آن دوره تماما افشا نشود، این زخم التیام نخواهد یافت. و بالاخره آیا میدانید که جنبش دادخواهی بزرگی در ایران شروع شده است؟ مادران جانبختگان همچون مادران گم‌شدگان در آرژانتین چندین سال است متشکل شده‌اند و در بیانیه‌های علنی خود خواهان رو شدن تمام حقایق و محاکمه تمام سران حکومت و کلیه مقاماتی شده‌اند که مرتکب این جنایات شده‌اند. آیا خبر دارید که سالهای ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ به همت خانواده‌های اعدام‌شدگان و زندانیان سیاسی جان به در برده از حکومت اسلامی، دادگاهی مردمی با حضور وکلا و قضات سرشناس بین‌المللی و حضور دهها شاهد از خانواده‌های جانبختگان و زندانیان سیاسی سابق در دو مرحله در لندن و لاهه برگزار شد و جمهوری

و شما را به همبستگی با مردم ایران، حمایت از مبارزات گسترده ای که علیه حکومت اسلامی جریان دارد و فشار به دولت‌ها برای قطع رابطه سیاسی دیپلماتیک با جمهوری اسلامی باید همچون رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی در افکار عمومی جهانیان و از جانب دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی محکوم و مطرود شود. مبارزاتی که امروز توسط زنان و جوانان، کارگران و دانش‌جویان، خانواده‌های جانبختگان و زندانیان سیاسی در ایران جریان دارد اجزاء مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است که کنار زدن آن از سر راه جامعه ایران شرط اصلی برای التیام زخم‌های ناشی از جنایات و نسل‌کشی‌های این حکومت است. شما را به تقویت این مبارزات فرامی‌خوانیم. مردم ایران به همبستگی مردم آزاده جهان نیاز دارند و دنیا به رهایی از شر تمام حکومت‌ها و دار و دسته‌های آدمکش اسلامی نیاز عاجل دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۵ سپتامبر ۲۰۱۶

و بالاخره امروز دنیا دارد درمورد جنایات داعش صحبت میکند. جمهوری اسلامی همتای داعش است. پیش‌قراول آن بود. همه انواع جنایاتی که داعش امروز به سر زنان و کل مردم می‌آورد تحت حاکمیت جمهوری اسلامی به اجرا درآمده است. جمهوری اسلامی و داعش و سایر حکومت‌های اسلامی صرفنظر از قطب بندی در مقابل یکدیگر، همچنان خون میریزند و برای یکدیگر مشروعیت ایجاد میکنند.

ما خود را موظف میدانیم شما مردم جهان را از آنچه این حکومت بر سر مردم آورده است مطلع سازیم

## نان و آذوقه مردم آواره و بی‌پناه را با بمب و راکت میکوبند

تصمیم حمله مرگبار روز دوشنبه به یک کاروان حامل این کمک‌ها همزمان با پایان آتش‌بس یک هفته‌ای بود که با توافق آمریکا و روسیه از دوشنبه گذشته برقرار شده بود.

رقابت و شاخ و شانه کشیدنهای دو طرف جنگ و متحجرین اسلامی که هر یک در دو سوی این آدم‌کشی برای دست بالا پیدا کردن در جهنمی که در خاورمیانه و سوریه برپا کرده‌اند از ابتدا تا کنون لطمات و خسارات جانی و مالی آن متوجه مردم بی‌دفاع، بی‌خانمان و آواره در سوریه بوده است. توحش نظم‌خوبین قهرتهای درگیر و دخیل در جنگ سوریه و سیاستهای شکست‌خورده و به بن‌بست رسیده‌شان بجایی رسیده است که اعمالشان با دوران بربریت قابل مقایسه نیست. نان و آذوقه و کمکهای دارویی مردمی که در چنگال حکومت بشار اسد، دول غربی و جانوران اسلامی در منطقه گرفتار آمده‌اند آماج حملات



بعد از اینکه در روز شنبه ۱۷ سپتامبر، جنگنده‌های ائتلاف در جبهه آمریکا به پایگاهی در "دیرالزور" حمله کرده و حدود نود تن از نیروهای ارتش سوریه در اثر آن کشته شدند و نیروهای ائتلاف اعلام کردند که "این حملات اشتباه‌ها رخ داده است"، روسیه و سوریه به تلاقی از آن و بعد از گذشت تنها دو روز، در روز دوشنبه ۱۹ سپتامبر انتقام این حمله را نه از نیروهای تا دندان مسلح آمریکا و ائتلاف بلکه از کمک‌هایی که سازمان ملل برای آوارگان ارسال کرده بود گرفتند. سازمان ملل روز سه‌شنبه ۲۰ سپتامبر ارسال کمک‌ها در سراسر سوریه را معلق کرد. دلیل این

## از صفحه ۵ نگاه هفته مجموعه...

طلب باخته‌اند و جنبش دوچرخه سواران زنان و مردان با هم کشور را فرا گرفته است. در سراسر جهان دوچرخه برای بسیاری از زنان و مردان وسیله نقلیه‌ای بسیار عادی محسوب می‌شود. مردم با آن سر کار می‌روند، خرید می‌کنند، به مدرسه و دانشگاه می‌روند. دوچرخه و دوچرخه سواران بخشی از زندگی مردم جهان است. علاوه بر این ساختار بسیاری از شهرهای جهان تغییر کرده و از حالت "اتومبیل‌محوری" خارج شده است. حالا دیگر دوچرخه‌سواران نیز در باندهای مخصوص خود در خیابان‌های شهر رکاب می‌زنند. در ایران دوچرخه سواران زنان حرام اعلام می‌شود چرا که علمای اسلامی به زنان نگاه جنسی دارند و دوچرخه سواران زنان را تحریک آمیز می‌دانند. جمهوری اسلامی از این نظر نیز حکومتی از نوع داعش و بوکوحرام و طالبان است که با زنان ضدیت دارند. اگر قرار باشد با چیزی در این جامعه شدیداً برخورد شود همین نگاه جنسی به زن است و نه دوچرخه سواران زنان. نگاهی که مردان را نیز به مانند "کپسول شهوت آماده انفجار" توصیف می‌کند. این نگاه نه فقط نسبت به زنان توهمین آمیز است حتی نسبت به مردان نیز توهمین تلقی می‌شود. وگرنه چه فرقی است بین دوچرخه سواران زنان و مردان اگر کسانی مثل علمای اسلامی خود افکار شهوانی نداشته باشند؟

\*\*\*

## سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سه دهه است از زندگی ما دزدیده‌اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده‌اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سرفه‌هایشان تماماً خالی شده است. سالها است شمارمان کرده‌اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان‌ها کرده‌اند. ثروت‌های مسکلت را قشر کوچکی بالا کشیده‌اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده‌اند.

سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح دست کرده‌اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته‌اند. دادگاه و زندان ساخته‌اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه‌های سنگین محکوم کرده‌اند.

گله‌آخوند تربیت کرده‌اند که خرافه‌رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه‌هایشان مدام دروغ می‌گویند و وعده‌های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست‌ها بترسانند تا سرمایه‌داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند.

گولشان را نخوریم، اراجیف‌شان را باور نکنیم. تا سرمایه‌داری و دولت سرمایه‌داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه‌داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه‌داری و حکومت دزدان اسلامی یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

سرنگون باد سرمایه‌داری و دولت دزد سرمایه‌داران!  
زنده باد سوسیالیسم!  
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

## تلفن و ای‌میل آدرسی تماس با سردبیر

Tel: 00358 405758250

E-mail: abdulgolparian1@gmail.com

## کمک‌های مالی رسیده به کمیته کردستان حزب

۱۶۰ یورو  
۲۰۰ یورو  
۲۰۰ یورو

حسین شکری و چیا محمودی  
صابر رحیمی و سیروان قادری  
کمیته فرانکفورت

۵۶۰ یورو

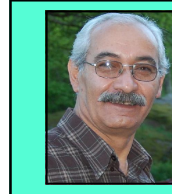
جمعا

عبدل گلپریان

۲۰ سپتامبر ۲۰۱۶

## یادداشت‌های هفته

عبدل کلپریان

شیر لوزه بر پیکر  
می اندازد یا  
سخنان مینا احدی؟

شرکت مینا احدی در کنگره سکولارهای ایران خیلی ها را از خواب بیدار کرد. گویی بعد از مدتها بیهوشی آب به صورتشان پاشیده شده است. داد و فغان سر دادند که "ای او مصیبتا مینا احدی و آذر ماجدی پشت تریبون با نشان شیرو خورشید قرار دارند".

قبل از هر چیز بهتر است این خیل خفته را که هر چیزی را با عینک ایدئولوژیکش می بینند و نجس میدانند را بیاد کنفرانس برلین بیاندازم.

همه میدانند که بنیادی در آلمان قصد داشت جمهوری اسلامی را در خارج از کشور بزرگ کند. شرکت کنندگان و سخنرانانی که از طرف جمهوری اسلامی در این کنفرانس حضور داشتند همگی و هر یک به فراخور حال خود در دایره جمهوری اسلامی و حال و هوای اصلاحات خاتمی بودند.

همین بخواب رفته های کنونی که چرتشان بار دیگر پاره شده است، آن دوران نیز فعالین حزب کمونیست کارگری و مینا احدی را بعنوان برهم زندهگان کنفرانس برلین معرفی کردند.

اینجا وارد آنچه که در کنفرانس برلین گذشت نمیشوم چرا که کنفرانس برلین در تاریخ تلاش و فعالیت کمونیستهای کارگری و دیگر آزادیخواهان علیه رژیم اسلامی ثبت شده و یکی از برگهای پرافتخار تلاش های حزب کمونیست کارگری و مینا احدی است. با توجه به اینکه جایگاه کنفرانس برلین با کنگره سکولارها بسیار از هم متفاوت هستند اما یک وجهه مشترک در هر دو این است که کمونیسم کارگری آرمانها و آرزوهای میلیونی مردم را با قرار گرفتن در پشت این تریبونها نمایندگی کرد.

مینا احدی به نمایندگی از طرف خواست و مطالبات مردم ایران و به نمایندگی از طرف دهها هزار انسانی

که توسط حکومت اسلامی بقتل رسیده اند در کنفرانس برلین تریبون را از آن خود کرد. بنیاد مذکور شاید یادش رفته بود پرچم جمهوری اسلامی را بر دیواره تریبون نصب کند. اگر پرچم جمهوری اسلامی بر همان تریبون در کنفرانس برلین نصب میبود باز هم بخواب رفته ها حزب کمونیست کارگری را در کنار آن توصیف میکردند و قادر نمیبودند که به مضمون حرکت و سخنان توجهی نشان دهند.

این یعنی اوج درماندگی، یعنی پرت بودن و بی ربط بودن به مسایل حاد جامعه، یعنی حاشیه نشینی و بی تفاوتی در مقابل هر آنچه که در اوضاع پراشتها سیاسی، اجتماعی و متاثر از اوضاع داخل کشور در خارج بازتاب میابد باشند.

ضد امپریالیستهای دیروز و امروز که بشدت از تشکل و فعالیت حزبی گریزان و متنفر هستند و بشدت همچنان تحت تاثیر جنبش ملی اسلامی، حزب توده و ناسیونالیسم قرار دارند، قادر نیستند در مجامعی که به مناسبتهای مختلف برپا میشود حضور پیدا کنند. درد اصلی و مشترک کل این طیف پراکنده این است که هیچ حرفی برای گفتن پیرامون اوضاع دیروز، امروز و فردا، خطاب به مردم در جامعه ایران ندارند. مینا احدی و دیگر چهره ها و رهبران حزب کمونیست کارگری چه در کنفرانس برلین، چه در کنگره سکولارهای ایران و بدون تردید در روزها و ماههای آینده در هر کنگره و کنفرانس و پانلی که توسط نیروهای بنام اپوزیسیون ترتیب داده شود با فراغ بال شرکت کرده و با در اختیار گرفتن تریبون به تشریح و توضیح افق، اهداف و آرمانهای سوسیالیستی، انسانی جنبشهای اجتماعی مردم خواهند پرداخت.

تنها طیف ها یا سازمانهای بی ربط به منافع اجتماعی مردم هستند که همانند فرقه های ایدئولوژیک باید در کنجی خزیده و افکار و ایده های سنتی خود را تقدیس کنند. این طیفها بریده یاد

گرفته اند در خانه بمانند. سنتشان آنان را آموزش داده است که در هیچ میدانی که نیروهای دیگر در آنجا بودند حضور بهم نرسانند مبادا لباسشان کثیف شود.

و اما چند نکته خطاب به برخی از اعضا و هواداران کومه له سازمان حزب کمونیست ایران.

این دوستان به ما یادآور میشوند که چرا زمانی که سازمان کردستان حزب کمونیست ایران عضوی از ۳۹ سازمان متشکل در کنگره ملی کرد شده بود بهشان نقد داشتیم اما شرکت فعالین کمونیسم کارگری در کنگره سکولارهای ایران ایرادی ندارد؟.

نقد ما به سازمان کردستان حزب کمونیست ایران این نبود که چرا پشت تریبون و آرم احزاب قومی، اسلامی و مرتجع منطقه در کنگره ملی کرد حضور بهم رسانیده اند.

نقد ما این بود که این سازمان به دنبالچه احزاب قومی، اسلامی و بدتر از آن به عضوی در کنگره ملی کرد و مهمتر از اینها در کنگره ای شرکت میکند که نمایندگان دول سرکوبگر مردم کردستان ( جمهوری اسلامی و دولت ترکیه ) در آن حضور دارند و آنان نیز به بازیچه دست این ملغمه تبدیل شده اند.

جوهر مباحث کنگره ملی کرد که ناسیونالیستها پرچم آنها در دست گرفته بودند برازنده کمونیستها نبوده و نیست. کومه له عضو رسمی این کنگره و در چهارچوب و ظرفیت اهداف آن جای گرفته بود. نقد ما از این سر بود که چنین افق، سنت و روشی از کار با سنتهای تاکنونی در حزب کمونیست ایران بیگانه بوده است. حزبی که در کنگره اش جریان داعش را بعنوان حاصل افشار متوسط و ناراضی ارزیابی میکند و عملا اعلام کرده است که حاضر است تمام نیرو و توان خود را برای جنگ در کردستان سوریه و همدوش با ناسیونالیسم کرد بکار بگیرد باید هم نسبت به این نوع از فعالیت کمونیستی احساس بیگانگی کند.

این آن عقبگردی است که این سازمان دچار شده است و دوستان کومه له خود باید به آن پاسخ دهند.

در هر حال شرکت فعالین کمونیسم کارگری در کنگره سکولارهای ایران همچون هر کنفرانس و کنگره دیگری از این دست، امکان و فرصتی است تا این

حزب کمونیستی که خود را نخود هر آشی میدانند و از کثیف شدن لباسهایش برای بلند کردن صدای چپ در جامعه و برافراشتن و نمایندگی کردن خواست و مطالبات مردم ابایی ندارد، جامعه را حول خود سازمان دهد. در خاتمه از دوستانی که خود را از نسل شیر میدانند و نسبت به شیر تریبون کنگره سکولارها برآشفته شده اند میخواهم به سخنرانی مینا احدی، مضمون و محتوای سخنان او عمیقاً گوش دهند ببینند که آیا شیر لوزه بر پیکر می ندازد یا سخنان مینا احدی؟

۱۴ سپتامبر ۲۰۱۶

.....

در پاسخ به یک کامنت  
پیرامون شرکت مینا احدی  
در کنگره سکولار دمکراتها

دوستی کامنتی نوشته که عین کامنت ایشان را با پاسخ به او اینجا میآورم.

"رفیق عبیل من شخصاً متأسفم. میدانی چرا مثل این است یک کمونیست و یا یهودی آلمانی نباید پشت آرم نازها در جلسه ای سخنرانی کند. و یا اگر فردا جمهوری اسلامی به اپوزیسیون پرتاب شد این رفیق لوزه بر اندام انداخته شما برود در کنفرانس آنها پشت پرچم آنها سخنرانی کند. مهم نیست چه میگوید مهم این است که پرنسب یک مبارزه سالم سیاسی و مرزهای اخلاق و نزاکت سیاسی را زیر پا گذاشته باید توبیخ شود. توهین بزرگی به همه مبارزینی است که آن پرچم شکنجه شان داد. نرمالیزه کردن شکنجه و بخشش جانباں دیروز است. بی حرمتی به شرافت و انسانیت و مقاومت هر مبارز کمونیستی است که دوره شاه مبارزه کرد، زندان رفت شکنجه شد و جان باخت. این ذهن کجی به تاریخ جنبش چپ است".

آرام گرامی با پوزش که با تاخیر به کامنت شما پاسخ دادم. به تک تک جوانب اظهار نظر شما پاسخ میدهم. آرام گرامی گورکین، ممنون از اظهار نظر شما. در رابطه با مقایسه آرم نازها با آرم شیرخورشید بنظر نمیرسد مقایسه درستی کرده باشید. منظورم از مقایسه این است که باید تاریخ اعمال نازی ها را با تاریخ

عملکرد حاکمانی ( خاندان پهلوی ) که پرچمشان شیر خورشید بود مطالعه کرد. در ثانی شما و من یا هر کس دیگری به آتانی که هنوز این آرم را یدک میکشند باید گفت و نشان داد که این آرم تاریخ خونباری را با خود حمل میکند. سردمداران شان به تاریخ پیوستند اما شما با نام سکولار، دمکرات و غیره که میخواهید نقش سالم و سفیدی در جامعه ایران داشته باشید این آرام را با خود یدک نکنید. تا جاییکه من میدانم بسیاری از اعضای کنگره سکولارها نه سلطنت طلب هستند و نه مدافع حکومت پادشاهی اما میتوان به آنان حالی کرد که آرم دیگری را که سکولاریزم و دمکرات بودن شما را تداعی کند برگزینید. شکی نداشته باشید که اگر امثال شما یا هر شخص و جریانسی روی این مسئله کار آگاهگرانه انجام دهد تاثیر مثبت خود را خواهد داشت.

باز هم در مورد آرم. من در مطلبی که به همین کنگره مربوط بود، کنفرانس برلین را یادآور شدم. نوشتم که اگر تریبون کنفرانس برلین با پرچم جمهوری اسلامی که کمتر از نازی ها جنایت نکرده است آزرین بندی میشد، بدست میبایست از میکروفون این کنفرانس استفاده میشد و ماهیت و جنایات حامیان همان پرچم را خطاب به شرکت کنندگان توضیح میداد و کنفرانس برلین را به همان شکلی که هدف معترضین بود در میآورد. شخصاً کسی از شرکت کنندگان در کنگره سکولارها را نمیشناسم که در دوران رژیم سابق ( پهلوی ) علیه مردم شخصاً و مستقیماً جنایتی مرتکب شده باشند. اگر شما یا هر کس دیگری میشناسد میشود و میتوان خطاب به برگزار کنندگان این کنگره این مسئله را خاطر نشان ساخت.

نوشته اید مهم نیست ( مینا احدی ) چه میگوید مهم این است که پرنسب یک مبارزه سالم سیاسی و مرزهای اخلاق و نزاکت سیاسی را زیر پا گذاشته باید توبیخ شود. پراتتر از من است.

آرام گرامی، پرنسب و مبارزه سالم سیاسی و بقول شما مرز اخلاق و نزاکت سیاسی در ادبیات سیاسی شامل پرچم، ساختمان، قیافه آدمها



## از صفحه ۸ یادداشتهای هفته..

و غیره نمیشود. همانطور که خود شما از مبارزه سالم سیاسی اسم برده اید، این یعنی مواضع، اظهار نظر آن شخص مبارز در افق، سیاست و مبارزه سیاسی در گفتمان و غیره. مبارزه سیاسی سالم و پرنسیب و اخلاق به این نمیگوند که از پرچم، از آرم و غیره حذر کنی و افق، سیاست و چشم انداز مبارزه سیاسی را در گلویت خفه کنی. این منطق مبارزه سیاسی نیست.

تصور کنید که در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی هواداران سلطنت پهلوی بخواهند در خیابان تظاهرات راه بباندازند و مثلاً خواهان این شوند که باید حزبی درست کنند و فعالیت سیاسی داشته باشند. آیا شما که در قدرت قرار گرفته باشی دستور به منع فعالیت آنها که آرمشان را با آرم نازی ها یکی میدانید خواهی داد؟ آیا اگر در همان فردای سرنگونی حکومت اسلامی شما در راس قدرت باشید مانع از فعالیت سیاسی احزاب اسلامی آنها با پرچم و آرمی که علیه بشریت جنایت خلق کرده است خواهید شد؟ با منطق شما و به صرف آرم و پرچم باید هرگونه فعالیت از سوی آنان را منع و ممنوع اعلام کنید. با چنین روش و نگرشی به اداره امور جامعه، سبب زیرزمینی فعالیت کردن هر کدام از آنان خواهید شد. با چنین درکی قطعاً به آنان میدان خواهید داد که مظلوم نمایی کرده و خود را حق بجانب معرفی کنند. با این رویکرد و این چنین درکی نمیشود جامعه را اداره کرد.

نوشته بودید "این توهین به مبارزین زمان شاه و .... الاخر است. دوست گرامی من و صدها و هزاران عزیز زنده و جانباخته در هر دو حکومت سلطنتی و اسلامی، بخشی از همان کسانی هستیم که شما نوشته اید بهشان توهین شده است. من، مینا احدی و بسیاری دیگر که امروز در حزب کمونیست کارگری فعالیت میکنیم، تاریخ حداقل ۴۵ سال مبارزه مخفی و علنی در زمان شاه و علیه آن حکومت، مبارزه نظامی در شهر و روستاهای کردستان علیه توحش ضد انقلابی حکومت اسلامی و تا به امروز درگیر در مبارزه علیه

اعدام، دفاع از حقوق انسان، برابری زن و مرد، علیه مذهب و نهایتاً برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی را پشت سر خود داریم. فکر نمیکنم کس یا کسانی با این پیشینه و عملکرد امروزشان بخواهند به خود و یارانانشان توهین کنند.

منطق دنیای امروز ایجاب میکند که بر بستر توحش موجود و پایین کشیدن جمهوری اسلامی بطور مادی، عینی و زمینی به مصادف با اوضاع امروز رفت. اگر از من دلخور نشوید باید بگویم متأسفانه که موضع شما در کل کامنتی که نوشته اید کاملاً کلیشه ای، شعارگونه، ایدئولوژیک و از موضع چپ سنتی است. جامعه را نمیشود و نمیتوان با خط کش ترسیم کرد. نمیشود اعدام انقلابی و اعدام ضد انقلابی را آنگونه که هنوز بخشی از چپ ایران به آن خو گرفته اند باب کرد. ما همگی امروز در دهه دوم قرن بیست و یکم زندگی میکنیم. وجهه مشخصات دنیای امروز نه تنها با پنجاه سال قبل بلکه با ده سال قبل هم قابل مقایسه نیست. روند رویدادها و تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بسرعت ساعت و ثانیه در حال تحول و دگرگونی پیش میروند. شخصیتهای سیاسی و احزاب سیاسی جدی نمیتوانند با نسخه ها و الگوهای قدیمی به درمان امراضی که جامعه را مریض کرده است به درمان بپردازند. با تراکتور نمیشود به سفرهای طولانی رفت. جیبو جتهای فوق سرعت و آخرین دستاوردهای تکنولوژی دنیای ما قابل مقایسه با سرعت عمل سیستم یوفوها ( البته اگر کسی به آن باور داشته باشد ) نیستند. میخواهم بگویم رخدادها، دست بردن برای تغییر، تحول و هرگونه اقدامی، با درک، فرهنگ، ادبیات و عملکرد دهه های قبل قابل جایجا کردن نیستند. قبل از انقلاب اکتبر چاپخانه نینا بسهم خود انقلاب اکتبر را سازمان داد. امروز و در دنیای اینترنت، فیسبوک، توئیتر و دیگر شبکه های اجتماعی که تا ماههای دیگر وارد مراحل پیشرفته تری میشوند، نمیتوان به سیاق چاپخانه نینا برای تحقق و پیروزی انقلاب حتی یک نیم قدم برداشت.

مجدداً تاکید میکنم که من، شما و بسیاری از انسانهای انقلابی و مبارزی که با احساس مسئولیت به سرنوشت و آینده مردم ایران و هر جای دیگری میانیدیند، میتوانند خطاب به کسانی که کنگره سکولارها را برگزار کردند یا در آینده دست به هر نوع فعالیت سیاسی برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی میزنند بخواهیم و متقاعدشان کنیم که آرم تاریخ مصرف گذشته آنان حتی اگر خودشان را عمیقاً ضد حکومت پادشاهی بدانند، یکی از نقطه ضعفهای جدی آنان است. این از نظر من بدان معنا نیست که اگر فردا در محلی که من زندگی میکنم و برای کنفرانسان از من دعوت بعمل آمد بخاطر وجود آرمشان بر تریبون سخنرانی قهر کنم. قطعاً بخشی از سخنانم را به همین مسئله اختصاص خواهم داد که اگر کس یا کسانی هیچ تعلق به این آرم نداشته باشند ماهیت آن برایشان روشن شود.

در خاتمه این را اضافه کنم که چسبیدن به مضمون، محتوا و افق و سیاسی که اشخاص و یا سازمانها و احزاب سیاسی از خود بدست میدهند معیار است. شما میتوانید به برنامه برخی از سازمانهای سیاسی مراجعه کنی که در آنها هنوز دفاع از مجازات اعدام یکی از بندهای برنامه شان است. آژین بندی کلاشینکف با داس و چکش برایشان اصل است. بسیاری ممکن است با همین تصویر از آرم، چهل سال قبل برایشان تداوی شود. اما امروز نمیتوان با داشتن بندی در برنامه مبنی بر "اعدام انقلابی" و در حال و هوای پنجاه سال قبل کار و فعالیت کرد. چنین چیزی با چنین آرمی هنوز هم جامعه ایران را موزائیکی میبیند. طبقه کارگر را نه در جامعه بلکه در کارخانه میبیند. زنان را نه در پهنای گسترده جامعه طبقاتی بلکه در خانه و خانه داری میبیند. جنبشهای اجتماعی تنیده شده در هم با دهها گرایش مختلف اجتماعی آمیخته در هم را نمیبند بلکه آنان را به خورده بورژوا، خورده بورژوازی متوسط، لایه بالایی، لایه پایینی و دهها تقسیم بندی دیگر که سرسوزنی به جنبش نود و نه درصد عصر حاضر ربطی ندارد میفهمد.

برگزارکننده گان کنگره

سکولارها و جریاناتی که خود را سلطنت طلب میدانند حتی اگر آرمشان را به پرچم سرخ تغییر دهند مسادامیسکه افق، اهداف و سیاستهایشان بازگو کننده امیال و آرزوهای دوران گذشته باشد شناری ارزش نخواهد داشت. و به این میگویند فریب کاری یعنی گنجشک را به نرخ قناری فروختن. باید در سیاست، افق، برنامه و عملکردشان آنان یا هر نیروی دیگری را سنجید و ارزیابی کرد که آیا در صف مبارزه برای ایجاد جامعه ای آزاد، سالم و انسانی هستند یا نه و گرنه آرم حزب کمونیست شوری دوران استالین و شعبات آن در سراسر جهان دنیا را به دو نصف کرده بود. آیا کمونیسم، سوسیالیسم از آن استخراج میشد. حزب توده و چریک اکثریت شاخه ایرانی آن برای همه ما از نزدیک بخوبی آشنا هستند. برایت آرزوی موفقیت میکنم.

۱۶ سپتامبر ۲۰۱۶

.....

### آیا این حرف دل نادیه مراد است؟

روز جمعه ۱۶ سپتامبر مراسم بمناسبت انتخاب نادیه مراد دختر ۲۳ ساله ساکن یکی از روستاهای اطراف شنگال از ایزدی ها، بعنوان سفیر حسن نیست در سازمان ملل برگزار شد. پیشتر نلسون ماندلا و محمد علی کلی به این مقام انتخاب شده بودند. برای بسیاری که وقایع مربوط به فاجعه شنگال و جنایات داعش در این منطقه را دنبال کرده باشند نادیه مراد چهره و نام آشنایی است. او در سخنرانی اش در اجلاس روز جمعه در سازمان ملل از جنایت و تجاوز داعش به زنان و دختران ایزدی و همچنین آنچه که افراد داعش بطور گروهی بر سر او آورده بودند سخن گفت.

سخنرانی نادیه مراد کيفرخواست تمام زنان و دخترانی بود که در عراق و سوریه توسط داعش به بردگی گرفته شده اند، آنان را در بازارها خرید و فروش کرده، یا مورد تجاوز قرار داده و یا در گورهای دسته جمعی قرار داده شده اند. مادر نادیه مراد و خانواده اش توسط داعش مورد تجاوز و شکنجه قرار گرفته و سپس بقتل رسیده اند.

در حال حاضر بیش از سه هزار زن و دختر جوان که بیشتر آنان را ایزدی های منطقه شنگال تشکیل میدهند اسیر داعش هستند. نادیه مراد در بخش دیگری از سخنانش وقایع شنگال در تابستان ۲۰۱۴ را جنایت علیه بشریت خواند و از شرکت کنندگان و نماینده دولت‌های حاضر در اجلاس خواست که برای پایان دادن به پدیده داعش مسئولانه تلاش کنند تا دنیا بتواند نفس راحتی بکشد. سخنرانی نادیه مراد اشک بسیاری را جاری ساخت.

اما نکته ای که در سخنرانی نادیه توجه مرا بخود جلب کرد پیامش خطاب به "مسلمانان سراسر جان بود". او در این بخش از پیامش گفت: "داعش ربطی به اسلام ندارد و مسلمانان باید در منزوی کردن این نیرو و علیه آن عمل کنند". سؤال این است: آیا این حرف دل نادیه مراد است؟ به گمان من پاسخ منفی است. نادیه مراد به زبان عربی مسلط است بدون شك آیات و احادیث تجاوزکارانه ضد زن در قرآن را خوانده و تجربه حکومت های اسلامی در ایران و عربستان و یمن و افغانستان و غیره را دیده و میدانند اسلام یعنی همین. اما ناچار شد دم برنیورد چون مصلحت سازمان ملل و منفعت دولتها این اجازه را به او نمیداد.

در این نباید تردید داشت که کاربردستان و گردانندگان این اجلاس متن سخنرانی نادیه مراد را بخوبی ادیت کرده و این ترم را که گویا داعش ربطی به اسلام ندارد در متن سخنرانی او جای داده اند.

نادیه مراد و میلیونها انسان روی این کره خاکی بخوبی میدانند که آیات نوشته شده در قرآن جز آنچه که پیامبر اسلام، خمینی، طالبان، القاعده، جیش العدل، بوکو حرام، داعش و دیگر تخم و ترکه های امروزی اسلامی علیه انسانیت و بویژه علیه زنان و دختران در هر کجای این کره خاکی انجام داده و میدهند چیزی بجز اسلام واقعی نیست.

گرداننده گان و کاربردستان سازمان ملل و نماینده دولتها در این سازمان همگی از سیاست گذاران و بازیگران اصلی در جایجا کردن جانوران اسلامی بر بستر اوضاع سیاسی و اقتصادی به بن بست

## از صفحه ۹ یادداشتهای هفته..

فراخوان تجمع  
سراسری معلمان  
در کردستان عراق

بعد از روزها اعتراض و تجمع معلمان در کردستان عراق جهت دست یابی به حقوقهای معوقه و پرداخت نشده شان، روز شنبه ۱۷ سپتامبر معلمان شهر سلیمانیه در تجمع اعتراضی خود در محل باغ عمومی این شهر جمع ۱۹ نفره ای را برای هدایت و هماهنگی اعتراضات خود انتخاب کردند. قرار است این جمع ۱۹ نفره در چند هیئت به دیگر شهرها برود و از بخشهای مختلف مردم بخواهند که در روز اول بازگشایی مدارس دست به تجمع و اعتراض سراسری بزنند. آنان به حکومت اقلیم التیماتوم دادند که اگر تا روز چهارشنبه ۲۷ سپتامبر حقوقهای معوقه آنان و دیگر کارمندان و حقوق بگیران پرداخت نشود دست به تجمع اعتراضی گسترده تری با شرکت همه بخشهای مختلف خواهند زد.

معلمان و دیگر حقوق بگیران در کردستان عراق تا کنون حقوقهای ماه ۷ خود را نیز دریافت نکرده اند. بدنبال این التیماتوم وزارت دارایی حکومت اقلیم شیر فهم شد و در هراس از گسترش دامنه اعتراضات مردم و در واکنش به فراخوان تجمع سراسری معلمان اعلام کرد که حقوقهای معوقه در روزهای سه شنبه، چهارشنبه و پنجشنبه ۱۹، ۲۰، ۲۱ سپتامبر به تمامی بخشها و حقوق بگیران پرداخت خواهد شد.

کاردستان حکومت اقلیم کردستان پیشتر به بهانه پایین آمدن قیمت نفت و اینکه فروش نفت کرکوک متوقف شده است از پرداخت حقوقها خود داری میکردند. در حالی حقوق بگیران حقوقهای چهار ماه قبل خود را از احزاب قومی و اسلامی حاکم بنام حکومت اقلیم طلب دارند که بیش از دو ماه است نه تنها بهای قیمت نفت دوبرابر از دوران اعلام این بهانه ها بالا رفته بلکه روزانه بالغ بر یک میلیون و پانصد هزار بشکه نفت از طریق لوله

رسیده و بحرانی منطقه خاورمیانه هستند. از منظر مقامات سازمان ملل انتخاب نادیه مراد بعنوان سفیر حسن نیست برای دفاع و نجات زنان و دختران اسیر و برده شده در دست داعش، تمامی آن تلاشی است که آنان میخواهند بعنوان مرهمی بر پیکر زجر دیده نادیه مراد و دیگر زجر دیده گان تحت عنوان "مبارزه علیه داعش" به خورد افکار عمومی بدهند.

تلاشهای فرمال سازمان ملل و انتخاب نادیه مراد مسکنی برای جلب توجه افکار عمومی در رستی است که این نهاد بین المللی بخود گرفته است. آنان با این انتخاب زخم عمیق نادیه مراد را که به هنگام سخنرانی در معرض اختیار از کف دادن بود عمیقتر کردند. ایکاش نادیه مراد، هزاران و میلیونها زن ستمیده از اسلام و اسلام سیاسی این توان و قدرت اجرایی را میداشتند که در چنین موقعیتی و بدور از سیاست و بند و بست نمایندگان دولتها در چنین سازمان و نهادی تصمیم بگیرند. اگر چنین میبود بی گمان قادر میشدند همراه با مروج وسیع حمایتهای انسانی در سراسر جهان بازماندگان داعش و این از گور برخاسته گان اسلامی را از صحنه گیتی جارو کنند.

اما پایان کار داعش امر نیروهای پیشرو و سکولار و توده های میلیونی به تنگ آمده از دست داعش و از دست سایر دولت ها و نیروهای اسلامی است. داعش و همینطور جمهوری اسلامی و طالبان و بوکوحرام و القاعده و سایر دولت ها و نیروهای اسلامی در منطقه محصول سرمایه داری به تمام معنی گنبدیده عصر حاضر است. محصول دخالت و حمایت دولت های مختلف سرمایه داری از دولت آمریکا تا دولت های عربستان و ترکیه از یکطرف و از طرف دیگر نقش جمهوری اسلامی بعنوان الگویی برای شکل گیری دولت های اسلامی از نوع داعش است. دنیا باید از شر همه اینها رها شود.

۱۷ سپتامبر ۲۰۱۶

.....

وارد بازارهای جهانی میشود. این در حالی است که حتی حقوق نیروهای نظامی حکومت اقلیم (پیشمرگ) بتازگی و مستقیماً توسط دولت آمریکا پرداخت شده است.

کاردستان میلیاردر حاکم بر کردستان عراق متشکل در احزاب قومی و اسلامی، تنها با فشار اعتراضات عمومی ناچار به پاسخگویی و زانو زدن در مقابل خواست و مطالبات برحق معلمان حقوق بگیران و کل جامعه هستند. معلمان نباید فریب وعده های سرخمرن وزارت دارایی را بخورند. میتوان و باید بر فراخوان خود مبنی بر تجمع سراسری در روز ۲۷ سپتامبر ایستادگی کرد و تا بیرون کشیدن آخرین دینار از حلقوم حاکمان اقلیم ساکت ننشست.

۱۷ سپتامبر ۲۰۱۶

.....

ریا کاری سران روسیه  
و آمریکا در جنگ سوریه

در پی حمله جنگنده های ائتلاف به پایگاهی در "دیرالزور" در روز شنبه ۱۷ سپتامبر، که در اختیار ارتش سوریه است، ۶۲ سرباز سوری کشته شده اند. بدین منظور روسیه از شورای امنیت سازمان ملل تقاضای نشست فوری کرد و خواستار توضیح حملات ائتلاف و آمریکا شد. پیشتر نیز روسیه و هم پیمانانش متقابلاً حملات مشابهی را علیه نیروهای مورد حمایت ائتلاف در سوریه را انجام داده بودند. در هر دو مورد هر کدام از طرفین اعلام کرده اند که "این حملات اشتباه رخ داده است".

ریاکاری سران قدرتهای رقیب در سوریه و کل منطقه حد و مرزی ندارد. سازمان ملل یا درست تر بگویم سازمان امنیت دولتها در حالی به بررسی چنین رخدادی نشست فوری برگزار میکند که طی پنج سال اخیر و با سرکوب و به شکست کشاندن انقلاب مردم سوریه که چیزی جز رفاه، امنیت، آرامش و یک زندگی انسانی نمیخواستند و تا کنون توسط حکومت بشار اسد و حمایت برخی

دولتها نظیر روسیه و جمهوری اسلامی، بیش از دویست هزار نفر از مردم این کشور کشته و میلیونها تن آواره و معلول شده اند، نه تنها هیچگونه جلسه ای فوری از سوی ویرترین "شورای امنیت" فراخوان داده نشد بلکه گرداننده گان آن حتی خم به ابرو هم نیاورند.

ریختن بمب بر روی خانه و کاشانه مردم و استفاده از سلاحهای شیمیایی که قربانیان آن را زنان، سالمندان و کودکان تشکیل میدهند اکنون دیگر به یک امر عادی تبدیل شده است و گویا فعلاً پایانی ندارد. "شورای امنیت" نه تنها خود را در قبال این وضعیت بی وظیفه میدانند بلکه در همین اجلاس ها بر سر چگونگی تقسیم سهم در خاورمیانه و جهنمی که در سوریه خلق کرده اند سرگرم رایزنی و بده و بستان هستند. از منظر توحش و سیاستهای به بن بست رسیده و ضد انسانی دول فحیمه، کشتار مردم بی دفاع و قتل عام کرور کرور زن و کودک و ریختن بمب بر سر آنان اکنون دیگر به امری عادی و روزمره تبدیل شده است. از منظر آنان اتخاذ سیاست و تصمیم

سرکوبگرانه شان علیه مردم گویا مشروع است چرا که مردم باید زیاده خواهی نکنند و توقع شان از یک زندگی شایسته انسان نه تنها از سوی این دولتها سد شود بلکه با تمام قدرت به سرکوب آن بپردازند. اوج ریاکاری سران و کاردستان هر دو بلوک رقیب و صف بندی هر یک از دول منطقه بر بستر جنگ نیابتی شان و دست و پا زدن در بحران و بن بست سیاسی، نظامی و اقتصادی آنان قبل از هر چیز گویای خصلت نمای امروز لجنزار سرمایه داری و گرداننده گان این نظام در دولتها و "شورای امنیت" است.

پایان دادن به جهنمی که در اثر بن بست سرمایه داری گنبدیده و سیاستهای شکست خورده سران دولتها و برای سرپا نگاه داشتن این نظام بردگی به مردم تحمیل کرده اند، امر بشریت متمدن، جنبش نود و نه درصدی ها و به میدان آمدن جنبش کارگری و دیگر جنبشهای رادیکال، چپ و سوسیالیستی است.

۱۸ سپتامبر ۲۰۱۶

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی:

سوئد:  
Sveden  
Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

آلمان:  
Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۵۷۵۰۲  
Bankleitzahl: 37010050  
Post Bank

کانادا:  
Canada  
ICRC  
Scotiabank  
۴۹۰۰ Dixie Rd, Mississauga  
L4W 2R1  
Account #: 84392 00269 13

هلند:  
Bank: RABOBANK  
Darande hesab: EFTVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:  
Bank of America  
277 G street Blaine, Wa 98230  
phone# 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoush  
Account number : 41581083  
checking (99)  
wire: ABA routing #026009593  
swift code # BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:  
England  
Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
account holder: WPI  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345۴۷۷۹۸۱  
BIC: NWBK GB 2L

هر سوالی دارید میتوانید با آدرس و یا تلفن زیر تماس بگیرید:  
سپاسک بهاری: 0046739868051  
markazi.wpi@gmail.com

# سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!